



پایاننامه کارشناسی ارشد در رشته الهیات و معارف اسلامی
گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی

عنوان:

شکجه به منظور اقرار از منظر فقه مذاهب

استاد راهنما:

دکتر حسین ناصری مقدم

استاد مشاور:

دکتر محمدتقی فخلعی

تحقیق و نگارش:

میثم احمدی

خرداد 93

شش

۱	مقدمه
۲	۱. طرح مسئله و تبیین موضوع
۲	۲. ضرورت و اهداف
۲	۲-۱. ضرورت
۳	۲-۲. اهداف
۳	۳. پرسش‌های اصلی و فرعی
۳	۳-۱. پرسش اصلی
۳	۳-۲. پرسش‌های فرعی
۴	۴. فرضیه‌ها
۴	۴-۱. پاسخ به پرسش اصلی
۴	۴-۲. پاسخ به پرسش‌های فرعی
۴	۵. پیشینه
۵	۶. کاربرد
۵	۷. نوآوری
۶	۸. روش کار
۶	۹. ساختار
۹	فصل اول: کلیات
۹	مبحث اول: تعریف لغوی و اصطلاحی شکنجه
۹	گفتار اول: معنای لغوی
۱۰	گفتار دوم: معنای اصطلاحی
۱۱	مبحث دوم: اقسام شکنجه

- گفتار اول: شکنجه جسمی ۱۱
۱. شکنجه جسمی مستقیم ۱۱
۲. شکنجه جسمی غیر مستقیم ۱۲
- گفتار دوم: شکنجه روحی ۱۲
۱. شکنجه روحی مستقیم ۱۲
۲. شکنجه روحی غیر مستقیم ۱۳
- مبحث سوم: اعتراض به شکنجه از منظر متفکران ۱۳
- مبحث چهارم: تعریف لغوی و اصطلاحی اقرار ۱۴
- گفتار اول: معنای لغوی ۱۴
- گفتار دوم: معنای اصطلاحی ۱۵
- مبحث پنجم: انکار بعد از اقرار ۱۶
- گفتار اول: فاسد بودن اقرار ۱۷
۱. شرایط مقرر ۱۷
۲. شرایط مقرر له ۱۸
- گفتار دوم: اشتباه بودن اقرار ۱۹
۱. اشتباه حکمی ۱۹
۲. اشتباه موضوعی ۱۹
- گفتار سوم: غلط بودن اقرار ۲۰
- گفتار چهارم: عذر موجه ۲۰
- مبحث ششم: اقرار در منابع دینی ۲۰

۲۱	گفتار اول: قرآن
۲۱	گفتار دوم: سنت
۲۲	گفتار سوم: اجماع
۲۲	گفتار چهارم: عقل
۲۲	مبحث هفتم: مفهوم اقرار در قرآن کریم
۲۲	گفتار اول: اقرار و مشتقات آن
۲۳	گفتار دوم: اعتراف و مشتقات آن
۲۳	گفتار سوم: شهادت دادن به زیان خود
۲۴	گفتار چهارم: کلمه «بلی» در پاسخ استفهام تقریری
۲۴	گفتار پنجم: کلمه «عَلَى» در برخی آیات
۲۹	مبحث هشتم: سیر تاریخی شکنجه
۲۵	گفتار اول: شکنجه در ایران باستان
۲۵	۱. دوره هخامنشیان
۲۵	۲. دوره اشکانیان
۲۶	۳. شکنجه در عصر ساسانیان
۲۶	گفتار دوم: شکنجه در دوران میانه
۲۷	گفتار سوم: شکنجه در دوره‌های اسلامی
۲۷	۱. دوره امویان
۲۸	۲. دوره عباسیان
۲۸	۳. دوره عثمانیان
۲۹	مبحث نهم: تفاوت شکنجه با کیفر

- مبحث دهم: ممنوعیت شکنجه در کنوانسیون‌ها و قوانین سایر کشورها ۳۰
- گفتار اول: اعلامیه جهانی حقوق بشر ۳۰
- گفتار دوم: کنوانسیون منع شکنجه ۳۱
- گفتار سوم: منع شکنجه در قوانین اساسی و قوانین عادی ۳۱
۱. سیر منع شکنجه در قوانین ایران ۳۱
۲. قوانین سایر کشورها ۳۲
- فصل دوم: احکام تکلیفی شکنجه به منظور اقرار ۳۷**
- مبحث اول: ادله‌ی حرمت شکنجه ۳۷
- گفتار اول: کتاب ۳۷
- گفتار دوم: سنت ۴۳
۱. بررسی روایات دسته اول ۴۳
- أ. روایات کتب شیعی ۴۳
- ب. روایات کتب اهل سنت ۴۷
۲. بررسی روایات دسته دوم ۵۰
- أ. روایات کتب شیعی ۵۰
- ب. روایات کتب اهل سنت ۵۲
- گفتار سوم: سیره‌ی معصومان عليهم السلام ۵۴
- گفتار چهارم: اجماع ۵۶
- گفتار پنجم: عقل ۵۷
- گفتار ششم: حقوق فطری و قواعد فقهی ۵۸
۱. کرامت ذاتی ۵۸
۲. قاعده سلطنت ۶۰

۳. حق آزادی ۶۱
۴. حق حیات ۶۲
۵. حق امنیت ۶۳
۶. اصل برائت ۶۳
۷. اصل استصحاب ۶۳
- مبحث دوم: ارکان متشکله جرم شکنجه در حقوق اسلام ۶۴
- گفتار اول: رکن قانونی ۶۴
- گفتار دوم: رکن مادی ۶۵
- گفتار سوم: رکن معنوی ۶۵
- مبحث سوم: سخنان فقیهان ۶۶
- گفتار اول: سخنان فقیهان در ممنوعیت ایذاء غیر ۶۶
۱. ممنوعیت ایذاء ۶۶
- أ. فقیهان شیعه ۶۶
- ب. فقیهان اهل سنت ۶۸
۲. ممنوعیت مثله کردن ۶۹
- أ. فقیهان شیعه ۶۹
- ب. فقیهان اهل سنت ۷۰
- مبحث چهارم: ادله قائلان به جواز شکنجه ۷۱
- گفتار اول: سنت ۷۲
- گفتار دوم: عقل ۷۸
- گفتار سوم: سخنان فقیهان در جواز شکنجه ۷۹
۱. شکنجه به عنوان اصل ثانوی ۷۹

۸۰	۲. شکنجه به عنوان تعزیر
۸۲	خلاصه‌ی بحث
۸۲	مبحث پنجم: نقد ادله‌ی قائلان به شکنجه
۸۲	گفتار اول: نقد سنت
۸۳	۱. اشکالات غیرمشترک
۸۵	۲. اشکالات مشترک
۸۶	گفتار دوم: نقد عقل
۸۸	گفتار سوم: نقد سخنان فقیهان
۸۸	۱. نقد شکنجه به عنوان اصل ثانوی
۸۹	۲. نقد شکنجه به عنوان تعزیر
۸۹	جمع‌بندی
۹۳	فصل سوم: احکام وضعی شکنجه به منظور اقرار
۹۳	مبحث اول: بطلان اقرار ناشی از شکنجه
۹۳	گفتار اول: سخنان فقیهان در بطلان اقرار اکراهی
۹۶	نتیجه‌ی بحث:
۹۶	مبحث دوم: اکراه
۹۷	گفتار اول: انواع اکراه
۹۸	گفتار دوم: شروط اکراه
۹۸	۱. سخنان فقیهان شیعه
۹۸	۲. سخنان فقیهان اهل سنت
۱۰۰	مبحث سوم: مقرون بودن اقرار با ادله‌ی دیگر
۱۰۰	گفتار اول: آرای فقیهان شیعه

گفتار دوم: آرای فقیهان اهل سنت	۱۰۱
نتیجه‌ی بحث	۱۰۴
مبحث چهارم: نکول از اقرار	۱۰۴
گفتار اول: آرای فقیهان شیعه	۱۰۵
گفتار دوم: آرای فقیهان اهل سنت	۱۰۵
گفتار سوم: حبس	
متهم	۱۰۶
۱. آرای فقیهان شیعه	۱۰۶
۲. آرای فقیهان اهل سنت	۱۰۷
جمع‌بندی و نتیجه‌گیری	۱۱۰
مبحث پنجم: شکنجه در قوانین ایران	۱۱۱
گفتار اول: رکن قانونی	۱۱۱
گفتار دوم: رکن مادی	۱۱۳
گفتار سوم: رکن معنوی	۱۱۵
مبحث ششم: مجازات‌های شکنجه‌کننده	۱۱۶
گفتار اول: مجازات شکنجه‌گر در فقه	۱۱۶
گفتار دوم: مجازات شکنجه‌کننده در حقوق ایران	۱۱۹
نتیجه‌گیری و جمع‌بندی	۱۲۰
خاتمه	۱۲۱
منابع و مأخذ	۱۲۲

مقدمه

شکنجه در گذشته، در بسیاری از کشورها ددمنشی مشروعی بود در جهت نیل به مقصود و قانونی نامیمون در راستای اخذ اقرار و گرفتن اطلاعات از متهم. این بوته ننگین حقیقت‌یابی یادگاری است از جنگ‌های تن به تن که داوری ایزدی نام داشت، متهم در حال شکنجه همان اندازه آزادی داشت که در گریز از آب جوشان و آتش فروزان آزادی داشت. این دستاویز همواره مطمئن‌ترین حيله برای بخشودن تبهکاران تنومند و محکوم کردن بی‌گناهان ناتوان بوده است. بیهوده است با شاهد آوردن نمونه‌های بی‌شمار از بی‌گناهی که از بیم شکنجه عنان از کف بدادند و خود را گناهکار خواندند و گناهکارانی که در زیر شکنجه تاب آوردند و حقیقت را کتمان کردند، بیش از این، بر اهمیت مسأله پای بفشرم.

دیگر هیچ کشوری و هیچ عصری را نمی‌توان یافت که نتواند شواهدی از شکنجه از باب نمونه بیان دارد. اما افسوس از ذهن‌های فراموش کننده و اندیشه‌های خفته که از استواری قدم و بی‌باکی قلم در این راه شانه خالی کردند.

این عمل ظالمانه پدیده‌ای نوظهور و نوپا نیست، بلکه قدمتی بس طولانی بسان سایر پدیده‌های ضدا اجتماعی دارد و همچون برگی خونین در گستره‌ی تاریخ و قوانین بسیاری از کشورها تا گذشته‌ای نه چندان دور جلوه‌گری می‌کرد. امروزه هر چند قوانین مدون و صریحی در ممنوعیت شکنجه وضع گردیده است، اما این قوانین توان برچیدن ریشه این درخت تنومند را نداشته است؛ هر چند کاهش چشم‌گیری در شکنجه کردن متهمان ایجاد کرده است.

اما حقوق اسلامی با تکیه بر آموزه‌های وحیانی و الهام از سرچشمه جوشان معارف الهی از همان بدو پیدایش، بر هرگونه شکنجه و شکنجه‌گری خط بطلان کشید. نباید ناگفته گذاشت که پرداختن به مسأله شکنجه به معنای شیوع و فراگیری آن در عصر حاضر نمی‌باشد، بلکه نگارنده برآن است در این رساله، موضع اسلام را در قبال شکنجه

متهمان تبیین نماید و شبهات پیرامون جواز شکنجه در حقوق اسلامی را با رویکردی فقهی به رشته نقد درآورد.

شایان ذکر است، برخی از عناوین فصل اول از کتاب‌های شکنجه در سیاست جناحی ایران و مطالعه تطبیقی اصل ممنوعیت شکنجه اقتباس شده است.

۱. طرح مسأله و تبیین موضوع

یکی از کهن‌ترین پدیده‌های ضداجتماعی که در جهت اخذ اقرار یا گرفتن اطلاعات از متهم صورت می‌گیرد، شکنجه است. شکنجه به معنای آزار و اذیت و ایذاء متهمان یا مظنونان در جهت اخذ اقرار یا معرفی هم‌دستان می‌باشد. شکنجه همواره در گستره تاریخ یکی از دردآورترین پدیده‌هایی بوده است که جسم انسان را می‌آزرد و روح او را دردآگین می‌کرد. شگفت آنکه، برخی نه تنها این پدیده ظالمانه را تقبیح نمی‌کردند بلکه آن را همچون تلخ‌دارویی برای راستگویی می‌دانستند که در صورت نیاز نه تنها تجویز می‌شد بلکه بسیار ضروری دانسته می‌شد. به جرأت می‌توان اذعان داشت که امروزه شکنجه در حقوق غالب کشورها ممنوع بوده و اقدامات بین‌المللی شایان ذکری در مقابل آن صورت گرفته است، به هر روی، این نکته نیز قابل تأمل است که سابقه تدوین قوانین در جوامع بشری بیش از سه قرن نمی‌باشد، اما بحث کرامت و جایگاه ولای انسانی از همان ابتدا مورد تأکید اسلام بود و هر گونه شکنجه و آزار را تقبیح و بر اقرارهای ناشی از آن خطی از بطلان کشید. با این وجود، با سیر در تاریخ و روایات و سیره بعضاً به مواردی برمی‌خوریم که حکم به جواز شکنجه برای اخذ اقرار کرده‌اند لیکن، این موارد را باید موشکافانه مورد بررسی قرار داد و با روح دین و قواعد عمومی مقایسه کرد تا بسیاری از مطالب پیرامون این پدیده ظالمانه روشن گردد.

۲. ضرورت و اهداف

۱-۲. ضرورت

شکنجه از قدیم‌الایام به عنوان نزدیکترین راه برای رسیدن به حقیقت همواره مورد

استفاده مأموران کشف جرم بوده است. شکنجه در گذشته فاقد مسئولیت جزایی بود، اما با گذشت ایام، این عمل ممنوع شد، اما با این حال برخی از مأموران حقیقت‌یابی و کشف جرم به دلیل عدم توفیق در رسیدن به حقیقت و ناتوانی در کشف جرم و یا ناکارآمدی روش‌های دیگر، دست به شکنجه متهمان می‌زدند، و از اقرار به عنوان مستحکم‌ترین دلیل در اثبات جرم بهره می‌بردند. قوت و استحکام اقرار به عنوان محکمه‌پسندترین دلیل همواره مأموران را بر آن می‌داشت تا در جهت توجیه و مشروع جلوه دادن این عمل بپردازند. به همین جهت پژوهش همه جانبه در بردارنده نظرات تمامی فقیهان اسلامی در این زمینه احساس می‌شد.

۲-۲. اهداف

شکنجه برای اخذ اقرار از مباحث ضروری و کاربردی است که از نقش و تأثیرات آن بر جامعه نمی‌توان به سادگی گذشت. بحث حقوق بشر و حقوق متهم چند صباحی است رونق‌بخش محافل بشردوستانه است. هدف کلی از انجام این پژوهش این است که دیدگاه اسلام در مورد اقرار متهم بوسیله شکنجه تبیین گردد تا به بسیاری از شبهات پیرامون این پدیده مجرمانه پاسخ داده شود، و گامی هر چند کوچک در جهت تنویر موضع اسلام در قبال شکنجه و برچیده شدن این عمل ظالمانه برداشته شود.

۳. پرسش‌های اصلی و فرعی

۳-۱. پرسش اصلی

در حقوق اسلامی، شکنجه برای اخذ اقرار و کسب اطلاعات جایز است؟

۳-۲. پرسش‌های فرعی

۱. آیا در صورت قوت اتهام، شکنجه متهم جایز است؟

۲. آیا اقرار تحت تهدید به شکنجه صحیح می‌باشد؟

۴. فرضیه‌ها

۴-۱. پاسخ به پرسش اصلی

۱. در حقوق اسلامی اختیار شرط صحت همه اعمال حقوقی می‌باشد و اقرار نیز از این قاعده مستثنی نیست. لیکن، فقیهان اسلام شکنجه را زایل کننده اختیار و رضا می‌دانند، لذا اقرار تحت شکنجه را باطل می‌دانند.

۴-۲. پاسخ به پرسش‌های فرعی

۱. برخی از فقیهان اسلام، در صورتی که اتهام در مورد مظنون قوت داشته باشد، شکنجه وی را می‌پذیرند. در این مقام، برخی قائل به جواز شکنجه به عنوان حکم ثانوی شده‌اند و برخی از باب تعزیر حکم به جواز شکنجه کرده‌اند.

۲. در حقوق اسلامی هر گونه عملی که باعث زوال اختیار در اقرار گردد، بطلان اقرار را در پی خواهد داشت و بسیاری از فقیهان تهدید را مصداق شکنجه روحی و زائل کننده اختیار دانسته‌اند.

۵. پیشینه

در کتب فقهی در مورد شکنجه بابتی مجزا تدوین نشده است، اما بحث اقرار و شرایط آن به شکلی گذرا در بردارنده مطالبی در این خصوص می‌باشد. با این حال از آنجایی که بحث حقوق بشر در چند قرن گذشته رونق گرفته است، این بحث میان پژوهش‌های فقهی به شکل بایسته مورد بررسی قرار نگرفته است. با این حال، در چند دهه گذشته با بررسی‌های انجام شده در کتب و پایان‌نامه‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی مرتبط مشخص گردید، چند رساله در مقطع کارشناسی ارشد و کتاب با عناوین ذیل موجود است:

۱. بررسی تطبیقی ممنوعیت شکنجه در حقوق اسلام و در کنوانسیون‌ها و در رویه

بین‌المللی حقوق بشر در رشته حقوق دانشگاه شیراز به راهنمایی دکتر محمدعلی پاکشیر و مشاوره محمدهادی صادقی.

۲. ممنوعیت شکنجه در فقه امامیه و حقوق جزا، نگارش زهرا رضانی دانشجوی دانشگاه آزاد تهران به راهنمایی علی بهرامی نژاد و مشاوره جمشید معصومی.

۳. بررسی ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ «اذیت و آزار بدنی برای اخذ اقرار» نگارش بابک حبیبی، رشته جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی به راهنمایی دکتر منوچهر خزائی و مشاوره دکتر رضا نوربها.

و همچنین کتابی با عنوان شکنجه در سیاست جناحی ایران، سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا نگارش عباس موسوی در سال ۱۳۸۲ توسط انتشارات خط سوم به چاپ رسیده است.

۶. کاربرد

لازمه هر تحقیق و پژوهش این است که محققان و پژوهشگران بتوانند در زمینه‌های خاص، دسترسی آسان به نظریات مختلف و ادله آن داشته باشند. و مسلم است که در کشور ما احکام و قوانین متأثر از فقه بوده و از نقش فقه در آن، نمی‌توان به سادگی گذشت. به همین جهت، به منظور تبیین دیدگاه‌های فقیهان اسلامی در مورد شکنجه و این که محققان و پژوهشگران به آسانی بتوانند در صورت نیاز به اقوال فقیهان، به این تحقیق مراجعه کنند، این پژوهش انجام گرفته است.

۷. نوآوری

هر چند مسئله جواز و یا عدم جواز شکنجه طرحی نو در میدان فقه و حقوق نمی‌باشد، اما پژوهش پیش رو از جهاتی دارای ویژگی‌های نوین می‌باشد:

۱. تبیین دیدگاه قائلان و مخالفان شکنجه برای اخذ اقرار با رویکردی فقهی.

۲. بررسی ادله قائلان به جواز و مخالفان شکنجه به شکل طبقه‌بندی شده.

۳. مناقشه در ادله قائلان به جواز شکنجه.

۸. روش کار

پژوهش پیش رو با رویکردی توصیفی-تحلیلی با استفاده از نرم افزارهای جامع فقهی، تفسیری و اصولی صورت گرفته است. شایان ذکر است که غالب منابع از طریق نرم‌افزارهای فقهی و تفسیری مورد استفاده قرار گرفته است و بعضاً در مواردی به کتاب‌های چاپی مراجعه شده است.

۹. ساختار

پژوهش پیش رو از سه فصل تشکیل شده است. فصل اول، کلیات تحقیق شامل مباحث مفهوم‌شناسی شکنجه، اقسام شکنجه، اعتراض به شکنجه از منظر متفکران، مفهوم‌شناسی اقرار، انکار بعد از اقرار، مفهوم اقرار در قرآن کریم، عوامل رافع مسئولیت کیفری، سیرتاریخی، تفاوت شکنجه با کیفر و سرانجام، ممنوعیت شکنجه در کنوانسیون‌ها و قوانین کشورها است. فصل دوم به احکام تکلیفی شکنجه پرداخته شده است. این فصل نیز مشتمل بر مباحث ادله حرمت شکنجه، ارکان متشکله جرم شکنجه در حقوق اسلامی، سخنان فقیهان، ادله قائلان به جواز شکنجه و نقد ادله قائلان به شکنجه است. و فصل سوم مشتمل بر بطلان اقرار ناشی از شکنجه، اکراه، مقرون بودن اقرار با ادله‌ی دیگر، نکول از اقرار، شکنجه در قوانین و مجازات‌های شکنجه‌کننده است. و سرانجام در پایان به جمع بندی فصول تحت عنوان خاتمه پرداخته شده است.

فصل اول: کلیات

تعریف لغوی و اصطلاحی شکنجه

اقسام شکنجه

اعتراض به شکنجه از منظر متفکران

تعریف لغوی و اصطلاحی اقرار

مبانی اعتبار اقرار

اثبات بی‌اعتباری اقرار

اقرار در حقوق اسلام

مفهوم اقرار در قرآن کریم

عوامل رافع مسئولیت کیفری

سیر تارفی شکنجه

تفاوت شکنجه با مد

شکنجه در کنوانسیون‌ها و قوانین سایر کشورها

فصل اول: کلیات

مبحث اول: تعریف لغوی و اصطلاحی شکنجه

گفتار اول: معنای لغوی

شکنجه در کتب لغت چنین معنا شده است:

۱. آزار، اذیت، رنج، دو چوب که بدان دزد و گناهکار را عذاب دهند، چوب گوشه جوال، صحافی.^۱

۲. آزرده، اذیت کردن، ایذاء، تعذیب.^۲

در زبان عربی «رجس» و «تعذیب» را معادل کلمه شکنجه ذکر کرده‌اند.^۳

چنانکه عبید بن ابرص می‌گوید:

المراء ما عاش فی التکذیب طول الحیاة له تعذیب

«انسان وقتی با دروغ زندگی کند، سراسر زندگی‌اش رنج و عذاب خواهد بود».^۴

در **تاج‌العروس** ذیل کلمه «رجس» آمده است:

هر عملی که منجر به عذاب شود.^۵

^۱ - دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه**، ج ۲، ص ۱۸۲۹، ذیل ماده شکنجه

^۲ - معین، محمد، **فرهنگ فارسی**، ج ۲، ص ۵۹۱، ذیل ماده شکنجه

^۳ - ابن‌منظور، جمال‌الدین، **لسان العرب**، ج ۶، ص ۹۵؛ فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، **القاموس المحيط**، ج ۱، ص ۱۰۲

^۴ - ابن‌منظور، همان

^۵ - حسینی، محمدمرتضی، **تاج‌العروس**، ج ۸، ص ۳۰۳؛ ذیل کلمه رجس

شکنجه در زبان فارسی معادل کلمه «rack» و «torture» در زبان انگلیسی می‌باشد.^۱

گفتار دوم: معنای اصطلاحی

هر چند مفهوم و معنای شکنجه از لحاظ لغوی و عرفی آشکار بوده، اما واژه مزبور دارای مصطلح شرعی یا فقهی نیست و لذا تعریف اصطلاحی جامع از این واژه را در فقه نمی‌توان یافت؛ برخی مؤلفان اسلامی شرط وقوع شکنجه را استمرار آن دانسته‌اند. طوسی در کتاب **التبیین** در تعریف شکنجه آورده است: «شکنجه، تحمیل عذاب به شخص است، و شکنجه به درد و رنجی گفته می‌شود که استمرار داشته باشد».^۲

بنابر تعریف مذکور، شکنجه اخص از هر نوع آزار و ایذاء می‌باشد؛ و آزار اگر استمرار نداشته باشد عنوان شکنجه بر آن صدق نمی‌کند. با این حال، این تعریف جامع و مانع نمی‌باشد، جامع‌ترین تعریفی که از شکنجه ارائه داده شده است، تعریفی است که در کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها و مجازات‌های غیر انسانی و ظالمانه مصوب دسامبر ۱۹۸۴ آمده است، می‌باشد. در ماده یک این کنوانسیون در تعریف شکنجه آمده است:

«هر عمل عمدی که در اثر آن درد یا رنج شدید جسمی یا روحی علیه شخصی به منظور کسب اطلاعات یا گرفتن اقرار از او یا از شخص ثالث اعمال شود، اطلاق می‌گردد. همچنین تنبیه شخصی به خاطر عملی که وی یا شخص ثالثی انجام داده یا احتمال انجام آن می‌رود یا تهدید و یا اجبار او یا شخص ثالث، یا تنبیه شخص به هر دلیلی که مبتنی بر هر نوع تبعیض باشد، شکنجه تلقی می‌گردد».^۳

^۱ - آریان‌پور، عباس، **فرهنگ فشرده**، ص ۷۱۹

^۲ - «و التعذیب ایقاع العذاب لصاحبه و العذاب الم یستمر به»، طوسی، محمد بن حسن، **التبیین فی تفسیر**

القرآن، ج ۵، ص ۱۸۵

^۳ - کنوانسیون منع شکنجه، ماده ۱

همچنین حقوقدانان شکنجه را به ایراد آزار به متهم و غیر متهم در جهت اقرار به بزه یا تعهدی تعریف کرده‌اند.^۱

مبحث دوم: اقسام شکنجه

شکنجه از همان دوران اولیه تاریخ بشریت به اشکال مختلف معمول بوده و پدیده‌ای نوظهور نمی‌باشد؛ بلکه قدمتی کهن بسان سایر پدیده‌های ضد اجتماعی دارد، در طول تاریخ برای شکنجه همواره روش‌های گوناگونی مورد استفاده قرار می‌گرفت است و در صورت به ثمر نرسیدن هر روش، شکنجه‌کننده به روشی دیگر متوسل می‌شد.

گفتار اول: شکنجه جسمی

علی‌رغم تنوع شکنجه جسمی و روحی، شیوه‌های سخت شکنجه جسمی رایج است؛ به ویژه تا سده‌های گذشته که شکنجه در جهت مجازات مجرم صورت می‌گرفت. نمونه‌هایی از این نوع شکنجه در سیر تاریخی عنوان خواهد شد. شکنجه‌های جسمی گاه به شکل مستقیم و گاه به شکل غیر مستقیم بر افراد اعمال می‌شد.

۱. شکنجه جسمی مستقیم

شکنجه جسمی مستقیم عبارت است از، ایراد عمدی هرگونه صدمات شدید بدنی نسبت به شخص متهم یا مجرم، توسط مأمور رسمی دولت، یا فردی که در سمت دولتی عمل می‌کند، یا با معاونت یا نظارت او به منظور اخذ اقرار یا کسب اطلاع یا ادای شهادت و سوگند و یا ارباب یا اجبار او.

شکنجه جسمی مستقیم، شکل بارز و شایع شکنجه می‌باشد و در متون جزایی کشورهای که شکنجه را منع کرده‌اند، این نوع از شکنجه، تجلی مشخص آن به‌شمار می‌آید.

^۱ - لنگرودی، جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۳، ص ۲۳۰۱

۲. شکنجه جسمی غیر مستقیم

نمونه‌ای دیگر از شکنجه جسمی، اعمال صدمات شدید بدنی نسبت به اطرافیان و وابستگان متهم یا مجرم توسط مأمور رسمی دولت است، تا از این طریق به اهداف مورد نظر، از جمله اخذ اقرار از شخص متهم یا مجرم یا کسب اطلاعات لازم و یا حتی ارباب و آزار متهم دست یابد.

معمولاً زمانی که دستگاه کشف جرم، یا مجری تحقیقات اولیه، از کشف حقیقت و گشایش گره‌های موجود، ناتوان و سرخورده می‌شود و متهم نیز با مقاومت و سماجت کمکی در این خصوص نمی‌کند، مأموران کشف جرم مبادرت به شکنجه اطرافیان و وابستگان متهم می‌نمایند. یکی از مواردی که باعث می‌شود مأموران کشف جرم به این شیوه متوسل شوند، ناتوانی از کسب اطلاع از متهم و یا اینکه سلامت جسمی متهم مورد نظر بوده باشد. بنابراین این نوع شکنجه متعاقب و مترتب بر شکنجه جسمی می‌باشد. بدیهی است، شکنجه جسمی غیر مستقیم، نوعی شکنجه روحی مستقیم هم محسوب می‌شود.^۱

گفتار دوم: شکنجه روحی

شکنجه روحی نیز بسان شکنجه‌های جسمی از قدمتی طولانی برخوردار می‌باشد. این نوع شکنجه به دو قسم شکنجه مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می‌شود.

۱. شکنجه روحی مستقیم

شکنجه روحی مستقیم عبارت است از تحمیل هرگونه صدمات شدید روحی و روانی نسبت به متهم و یا مجرم، به مباشرت یا معاونت یا با نظارت مأمور رسمی دولت یا شخصی که در سمت دولتی فعالیت می‌کند به منظور تحصیل اطلاعات یا اقرار یا شهادت و سوگند یا ارباب یا اجبار او.

^۱ - موسوی، عباس، شکنجه در سیاست جناحی ایران، سازمان ملل متحد و شورای اروپا، ص ۸۲-۸۳